

درس ۶

همکاران محترم:

[توجه: این درس به پیشنهاد شما عزیزان جهت اضافه نمودن درسی در راستای آشنایی دانش آموزان با سیره پیامبر نگاشته شده است و کاملاً جدید می باشد.]

ضمناً خواهشمند است پیشنهادهای خود در خصوص فعالیت کلاسی برای این درس را مطرح کنید

اسوه پیشوایی

یکی از مسئولیت‌های رسول خدا، تشکیل حکومت و رهبری مسلمانان بود. در این درس به گوشه‌هایی از سیره و سبک رهبری ایشان می‌پردازیم.

رسول خدا، اسوه ما در رهبری

همان طور که گفتیم رسول خدا علاوه بر نبوت مسئولیت پیشوایی جامعه اسلامی را نیز بر عهده داشت. آن حضرت، در چهل سالگی به پیامبری مبعوث شد. ایشان سیزده سال مردم مکه را به توحید دعوت کرد، اما جز اندکی از مردم مکه به او ایمان نیاوردند و سران مکه که پیشوایان کفر و شرک بودند، مانع آگاهی و ایمان مردم می شدند. رسول خدا (ص) با دعوت مردم مدینه به این شهر هجرت کرد و به فرمان خداوند، حکومت اسلامی را بنا نهاد. این حکومت، به تدریج گسترش یافت و در مدت ده سال سراسر شبه جزیره عربستان را فراگرفت. در ظرف این ده سال که پیامبر در مدینه بود، به گونه ای زندگی کرد که در همه ابعاد فردی و اجتماعی، از جمله رهبری و پیشوایی، الگو و اسوه ی انسانها باشد، به طوری که خداوند درباره ایشان فرمود:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ

به راستی که برای شما در پیامبر خدا

أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ

سرمشق نیکویی هست

لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ

البته برای کسی که به خداوند

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

و روز بازپسین امید دارد

وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا

و خدا را بسیار یاد می کند.^۱

در این درس به برخی ویژگی های رهبری ایشان می پردازیم:

۱. سوره احزاب: آیه ۲۱.

۱. اجرای عدالت

رسول خدا (ص) یکی از اهداف مهم حکومت الهی را اجرای عدالت معرفی فرمود و در این مورد با قاطعیت عمل کرد. ایشان با همه حلم و ملایمتی که در برابر ضایع شدن حق شخصی خود داشت، در برابر ضایع شدن حقوق جامعه می‌ایستاد و کوتاه نمی‌آمد و شخص مجرم را در هر موقعیت و مقامی که بود، مجازات می‌کرد.

نمونه

در زمان‌های گذشته، قبایل جایگاه مخصوصی داشتند و برخی قبایل برتر از برخی دیگر شمرده می‌شدند. یک بار زنی از یکی از قبایل شریف مکه، دزدی کرد و جرم او ثابت شد. رؤسای قبیله فکر می‌کردند که رسول خدا به دلیل جایگاهی که قبیله این زن دارد وی را مجازات نخواهد کرد؛ اما با کمال تعجب دیدند که پیامبر می‌خواهد حکم را اجرا کند. واسطه‌های مختلفی نزد رسول خدا فرستادند تا ایشان را از اجرای حکم منصرف کنند. حتی برخی نزدیکان رسول خدا را واسطه کردند، اما ایشان نپذیرفت و به آنان فرمود:

«اقوام و ملل پیشین بدین سبب دچار سقوط شدند که در اجرای عدالت، تبعیض روا می‌داشتند زیرا اگر فردی بزرگ از ایشان دزدی می‌کرد رهایش می‌کردند و اگر فردی ضعیف دزدی می‌کرد وی را مجازات می‌کردند.»^۱

۲. محبت و احترام به مردم

رفتار رسول خدا (ص) با مردم به قدری محبت‌آمیز بود که مردم ایشان را پدر مهربان خود می‌دانستند و در سختی‌ها به ایشان پناه می‌بردند. معمولاً اطرافیان رهبران برای اینکه خود را به وی نزدیک کنند، عیب دیگران را نزد او بازگو می‌کنند. رسول خدا به یاران خود می‌فرمود: بدی‌های یکدیگر را پیش من بازگو نکنید؛ زیرا دوست دارم با دلی پاک و خالی از کدورت با شما معاشرت کنم.

هر کس به خانه آن حضرت می‌رفت، به او احترام می‌کرد تا آنجا که گاهی ردای خود را زیر پای او پهن می‌کرد یا بر تشک خود می‌نشاند. هرگز در مقابل یارانش پای خود را دراز نمی‌کرد و سعی می‌کرد تا وقتی که آنها نشسته‌اند، در کنارشان باشد. اگر درباره آخرت حرف می‌زدند با آنان همراهی می‌کرد؛ اگر درباره خوردنی و آشامیدنی و سایر امور روزمره سخن می‌گفتند، برای اظهار مهربانی با آنان هم‌سخن می‌شد. گاهی در حضور پیامبر، شعر می‌خواندند یا از گذشته خود می‌گفتند. در همه این موارد، حضرت، آنان را منع نمی‌کرد، مگر از حرام.

۳. سخت‌کوشی و دلسوزی در هدایت مردم

چنان علاقه‌مند به نجات مردم از گمراهی بود که آزارها و اذیت‌های آنان هرگز سبب دوری از آنان نگردید و آنقدر برای هدایت‌شان شبانه‌روز تلاش کرد که خداوند به او فرمود:

«رنج شما برای او سنگین و گران است و سخت هواخواه شماست»^۱

با همه این زحمات‌ها، دشمنی سران قریش با ایشان بیشتر می‌شد. می‌گفتند او ساحر و جادوگر است.^۲ می‌گفتند دیوانه است، شکمبه شتر بر سر ایشان ریختند، خاکستر بر سر و رویش پاشیدند، طعنه و نیش زبان به او زدند. با وجود

^۱.سوره توبه، ۱۲۸

^۲.سوره مدثر: آیه ۲۴ .

اینها، آنقدر با مهربانی و صبر و تحمل به هدایت مردم ادامه داد که نزدیک بود از شدت رنج و اندوه فراوان از پا در آید که خداوند به او فرمود:

لعلک باخع نفسک الا یكونوا مومنین »

از این که برخی ایمان نمی آورند نزدیک است که جانت را [از شدت اندوه] از دست بدهی.^۱

امام علی (ع) که در بیشتر این صحنه‌ها در کنار رسول خدا بود، بعدها دربارهٔ تلاش بی پایان پیامبر می‌فرمود: «پیامبر یک طیب سیار بود» [برخلاف سایر طبییان که منتظرند تا مردم به سراغشان بیایند] او خود به سراغ مردم می‌رفت، داروها و مرهم‌هایش را خودش آماده می‌کرد و ابزارهای طبابت را با خود می‌برد تا بر هر جا که نیاز داشته باشد بگذارد؛ بر دل‌های کور، بر گوش‌های کر، بر زبان‌های گنگ، او با داروهای خوی‌ش بیماران غفلت زده و سرگشته را رسیدگی و درمان می‌کرد.^۲

آن حضرت سخنان کسانی را که اهل دلیل و برهان بودند با صبر و حوصله می‌شنید و هر قسمتی از سخن را که حق بود، تصدیق می‌نمود و علیه قسمت باطل آن، به آرامی استدلال می‌کرد.

بیشتر بدانیم

روزی هیأتی از مسیحیان نجران^۳ برای سؤال و جواب نزد پیامبر آمدند. آنان پرسیدند که ما را به چه دعوت می‌کنی؟ فرمود: به سوی خدای یگانه که شریک و هم‌تا ندارد و اینکه من پیامبر و فرستادهٔ اویم و اینکه عیسی بندهٔ خدا و فرستادهٔ اوست.

۱. سورهٔ شعراء: آیهٔ ۳

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸ .

۳. نجران، منطقه‌ای از عربستان است که در آن دوره، گروهی از مسیحیان در آن ساکن بودند.

پرسیدند: اگر واقعاً عیسی بنده خداست و فرزند او نیست، پس پدر او کیست؟

فرمود: شما درباره آدم چه عقیده‌ای دارید؟ آیا آدم بنده و مخلوق خدا نبود؟

گفتند: آری.

فرمود: پدر حضرت آدم کیست؟

مسیحیان که نمی‌خواستند آدم را فرزند خدا بنامند، جوابی ندادند. سپس رسول خدا (ص) آیه‌ای از قرآن را

برای آنها خواند که ترجمه‌اش چنین است: «همانا مثل خلقت عیسی (از نظر بدون پدر بودن) مانند خلقت آدم است

(که بدون پدر و مادر بود و) خداوند او را از خاک آفرید»^۱.

۴. توجه به فقیران و محرومان

رسول خدا (ص)، فقیران و پابرهنگان را بسیار گرمی می‌داشت و برخی از آنها دوست صمیمی ایشان

محسوب می‌شدند. ایشان هیچ‌گاه ثروت را ملاک برتری نمی‌دانستند. توانایی ارتباط و نشست و برخاست با فقیرترین

و محروم‌ترین مردم چنان در ایشان قوی بود که به آسانی در کنار آنان قرار می‌گرفت و صمیمانه با آنها گفت‌وگو

می‌کرد و آنان رسول خدا را همدل و همراز خود می‌یافتند. آن حضرت در همه حال از موقعیت فقیران دفاع می

کسد و مانع کوچک شمردن آنان در جامعه می‌شد.

روزی رسول خدا (ص) و یارانش در مجلسی نشسته بودند. تهیدستی که لباس کهنه‌ای به تن داشت وارد شد و در جای خالی کنار مردی ثروتمند نشست. مرد ثروتمند چهره در هم کشید و خودش را جمع و جور کرد و به کناری کشید.

پیامبر که رفتار او را دید، فرمود: ترسیدی از فقرا و چیزی به تو برسد؟

آن مرد گفت: نه، یا رسول الله.

فرمود: ترسیدی چیزی از ثروت تو چیزی به او برسد؟

گفت: خیر یا رسول الله

پیامبر فرمود: ترسیدی لباس‌هایت در اثر تماس با او آلوده شود؟

گفت: نه، یا رسول الله.

فرمود: پس چرا خودت را جمع و جور کردی و از او فاصله گرفتی؟

آن مرد گفت: یا رسول الله اعتراف می‌کنم که مرتکب خطا شدم و به جبران خطایم حاضرم نصف ثروتم

را به این برادر مسلمان ببخشم.

مرد فقیر گفت: یا رسول الله، من حاضر نیستم بپذیرم.

حضار با تعجب پرسیدند: چرا؟!!

مرد فقیر پاسخ داد: می ترسم بر اثر ثروت، من هم گرفتار غرور و خودخواهی شوم و روزی با برادر مسلمان

خود این گونه رفتار کنم.^۱

۴. برادری اسلامی

رسول خدا (ص) با اینکه خود از نژاد قریش بود و در میان مردم مکه متولد شد، اما هیچ توجهی به این ویژگی نژادی نداشت. ایشان مردم را به عرب یا قریش و غیرقریش تقسیم نمی کرد. ملاک وی در تقسیم بندی، حق و باطل و ایمان و کفر بود. از حق پشتیبانی می کرد و در مقابل باطل می ایستاد و برای همبستگی مؤمنان تلاش می کرد و با کافران در مبارزه بود.

سرلوحه کار ایشان این آیه شریفه بود:

ای مردم

يَا أَيُّهَا النَّاسُ

همانا شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم

إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ

و شما را اقوام و قبیله‌ها ساختیم (قرار دادیم)

وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ

تا با یکدیگر انس و آشنایی یابید

لِتَعَارَفُوا

بی گمان گرامی ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاهُ

همانا که خداوند دانای آگاه است.^۲

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۶۲

۲. سوره حجرات: آیه ۱۲.

رسول خدا (ص) در مدینه حکومت خود را بنا کرد و به طور طبیعی، افراد پیرامون وی بیشتر از مردم مدینه و مکه بودند. اما اگر افرادی غیر عرب ایمان می آوردند و در جمع مؤمنان قرار می گرفتند عزت و شرافتی مانند دیگران می یافتند و متناسب با توانایی شان، مسئولیت می گرفتند.

در میان صمیمی ترین یاران وی نام هایی چون سلمان از ایران و بلال از حبشه به چشم می خورد که گویای توجه وی به همه انسانها از هر نژادی بوده است.

نمونه

با اینکه رسول خدا (ص) کوشش می کرد که قبیله های مکه و مدینه تعصب قبیله ای را کنار بگذارند، اما در برخی مواقع این تعصب قبیله ای، خودش را نشان می داد. روزی تعدادی از مردم دور هم جمع شده بودند که مسلمانان نیز در میان آنان بودند. هر کدام با تعصب، قبیله خود را معرفی می کرد و بدان افتخار می نمود. در این میان، شخصی روبه سلمان کرد و گفت: سلمان! بگو بدانم تو کیستی؟ پدر تو کیست؟ و اصل وریشه ات چیست؟

سلمان گفت: اسم من سلمان و پدرم بنده خداست، من قبل از اسلام گمراه بودم و خداوند متعال به برکت محمد (ص) هدایت منم کرد، نیازمند بودم و خداوند به برکت محمد بی نیازم نمود، برده بودم و خداوند به برکت محمد (ص) مرا از قید بردگی آزاد ساخت، این حسب و نسب من است.

در همان حال رسول خدا (ص) به آن جمعیت وارد شد، سلمان از فرصت استفاده کرد و گفت: ای رسول خدا (ص)! امروز من با این جماعت برخورد کردم، و آنان هر کدام از حسب و نسب خود، سخن به میان آوردند، و من هم درباره اصالت و ریشه خود، مطالبی را توضیح دادم.

رسول خدا(ص)، با شنیدن گفت و گوهایی آن جماعت، آنان را این گونه مورد خطاب قرار داد: ای

جماعت قریش! این را بدانید که، شرافت انسان به دینداری او، مروت و انسانیت او به خصلتهای اخلاقی وی، و

اصالت انسان به عقل و اندیشه اوست

سپس پیامبر(ص) سلمان را مخاطب قرار داد و فرمود: سلمان! این را بدان که، هیچ کدام از اینان بر تو فضیلت و برتری

نخواهند داشت، مگر این که از تو پرهیزگار تر و خداترس تر باشند، اما اگر تو تقوی و خدا ترسی داشته باشی، پس

تو افضل و برتر خواهی بود^۱

همین درک صحیح سلمان از اسلام و تعلیمات پیامبر اکرم (ص) بود که سبب شد، در عین ایرانی بودن سلمان،

پیامبر او را از خانواده خود محسوب کند و بفرماید: «سلمان از ما اهل بیت است».^۲

مهم‌ترین ثمره برادری و اخوت مسلمانان با یکدیگر، به وجود آمدن قدرت بزرگی است که زورگویان و مخالفان با اسلام را از تجاوز به حقوق ملت‌های مسلمان بازمی‌دارد و فرصت پیشرفت آنان را فراهم می‌کند. اما با کمال تأسف مشاهده می‌کنیم که در حدود صدسال اخیر با یک نقشه دقیق و برنامه‌ریزی شده، برادری مسلمانان را به دشمنی با یکدیگر تبدیل کرده و تفاوت اقوام و مذاهب اسلامی را بزرگ و بزرگ‌تر می‌کنند.

بررسی

برخی نمونه‌های این ایجاد دشمنی میان مسلمانان را در عصر حاضر بیان کنید.

با توجه به همین مساله، سالهاست که علما و دانشمندان دلسوز در جهان اسلام، به‌خصوص در ایران، روشنگری‌های فراوانی کردند تا بار دیگر، مسلمانان را علیه دشمنان اسلام متحد کنند و مانع درگیری‌های میان خود

۱. روضه کافی، ص ۱۸۲؛ بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۸۲

۲. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۹

شوند. یکی از این علما، امام خمینی (ره) بود. ایشان در هر فرصتی، مسلمانان را به «وحدت» دعوت می‌کرد و از اختلافات بازمی‌داشت.

بیشتر بدانیم

یکی از ابتکارات جالب ایشان، تبدیل یک موضوع به ظاهر اختلافی میان اهل سنت و شیعیان، به یک عامل وحدت بود. برخی مورخان اهل سنت، تولد پیامبر اکرم (ص) را ۱۲ ربیع‌الاول و برخی مورخان شیعه تولد ایشان را ۱۷ ربیع‌الاول ذکر کرده‌اند؛ به همین جهت، برخی مسلمانان روز ۱۲ ربیع و برخی دیگر روز ۱۷ ربیع را به عنوان سال روز تولد پیامبر گرامی می‌دارند.

ایشان بدون اینکه این تفاوت تاریخی را کنار بگذارد، ۱۲ تا ۱۷ ربیع‌الاول را روزهای گرامی‌داشت شخصیت پیامبر و هفته وحدت اعلام کردند. اکنون بسیاری از مسلمانان که به برادری و وحدت مسلمانان علاقه‌مند هستند، از ۱۲ تا ۱۷ ربیع‌الاول را گرامی می‌دارند و از این فرصت چندروزه برای جشن و شادمانی استفاده می‌کنند و به معرفی بیشتر شخصیت پیامبر می‌پردازند.

اما متأسفانه کسانی که فقط به دنبال نزاع و اختلاف هستند، با همین ابتکار هم مخالفت می‌کنند و در همین ایام، تبلیغات اختلافی خود را بیشتر می‌کنند.

برنامه‌ای برای وحدت

برای این که ما مسلمانان بتوانیم برادری و وحدت میان خود را تقویت کنیم و از قدرت بی‌پایان حدود دو میلیارد مسلمان و امکانات بی‌نظیر سرزمین‌های اسلامی برای پیشرفت و عزت خود استفاده کنیم، نیازمند اجرای برنامه‌های دقیقی هستیم که نقشه‌های تفرقه افکنانه استعمارگران و عوامل آنان را در سرزمین‌های اسلامی خنثی کند

و دلهی مسلمانان را به یکدیگر نزدیک کند. در این جا به برخی از این اقدامات اشاره می کنیم و می کوشیم آنها ار در جامعه خود گسترش دهیم:

۱. خود را از سایر مسلمانان دور ندانیم و برای پیروزی، عزت و سربلندی مسلمانان، در تمام نقاط جهان تلاش کنیم و تا آنجا که می توانیم برای آبادانی و پیشرفت جهان اسلام همکاری کنیم و به این سخن پیامبر گرامی توجه کامل داشته باشیم که فرمود:

«کسی که صبح خود را آغاز کند و در اندیشه رسیدگی به سایر مسلمانان نباشد، مسلمان نیست»^۱.

۲. از اهانت و توهین به مقدسات سایر مسلمانان خودداری کنیم. دولت های غربی که می خواهند مسلمانان را

با هم دشمن کنند، با استفاده از همین توهین ها، بذر دشمنی را میان مسلمانان می کارند و در موقع مناسب، محصول

پلید آن را درو می کنند تا به هدف خود برسند

۳. از مظلومان مسلمان در تمام نقاط جهان، با روش های درست دفاع کنیم و برای رهایی آنان از ظلم بکوشیم،

و به این سخن رسول خدا (ص) به خوبی عمل کنیم که فرمود:

«هرکس فریاد دادخواهی مظلومی را که از مسلمانان یاری می طلبد بشنود، اما به یاری آن مظلوم برنخیزد،

مسلمان نیست»^۲.

۴. اعتقادات خود را با دانش و استدلال، اعتلا و ارتقا ببخشیم تا بتوانیم با دیگر مسلمانان براساس معرفت و

استدلال سخن بگوییم و اعتقادات خود را به نحو صحیح و بدون نزاع و ناسزا گویی بیان کنیم. دفاع منطقی از اعتقادات،

نه تنها سبب تفرقه و جدایی نمی شود، بلکه دل ها را به یکدیگر نزدیک می کند. بنابراین، لازم است برنامه ای برای

۲. من اصبح ولم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم (کافی، ج ۲، ص ۱۶۳).

۱. من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم (کافی، ج ۲، ص ۱۶۴).

شناخت بیشتر معارف قرآن، سیره و سنت پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت ایشان (ع) تنظیم کنیم و شرکت در سخنرانی‌های علمی و مطالعه کتاب‌های مناسب را در برنامه خود قرار دهیم.

۵. کسانی را که به ظاهر خود را مسلمان می‌نامند ولی با دشمنان اسلام دوستی می‌ورزند، بشناسیم و فریب برنامه‌های آنان را نخوریم. روش این گروه چنین است که دشمنان اسلام مانند صهیونیست‌ها را دوست و برخی مسلمانان را دشمن معرفی می‌کنند؛ به طوری که مردم عادی به تدریج با دشمنان واقعی اسلام دوستی کنند و با گروهی از مسلمانان، دشمنی بورزند.

بیشتر بدانیم

آیت‌الله سیدمحمدحسین طباطبائی بروجردی، معروف به آیت‌الله بروجردی (ره)، یکی از بزرگ‌ترین مراجع تقلید در دوره معاصر است. ایشان بین سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۰ ه.ش ریاست حوزه علمیه قم را بر عهده داشت و اکثریت شیعیان جهان برای دریافت احکام دینی به کتاب‌های ایشان مراجعه می‌کردند. ایشان به خوبی دریافته بود که یکی از عوامل عقب‌ماندگی مسلمانان، اختلاف و جدایی آنان است و متوجه بود که استعمارگران با برنامه‌های سرّی به دنبال ایجاد اختلاف میان مسلمانان هستند. از این‌رو، در سال ۱۳۲۷ ه.ش، با حمایت‌های ایشان و با کمک برخی از علمای سرشناس دانشگاه الازهر مصر، مرکزی به نام «دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه» تأسیس شد و ایشان با فرستادن نمایندگان به «دانشگاه الازهر» که بزرگ‌ترین دانشگاه مذهبی مصر و کشورهای عربی بود، زمینه‌های ارتباط را فراهم کرد.

در آن دوره، ریاست دانشگاه الازهر بر عهده «شیخ محمود شلتوت» بود. وی از پیشنهادات آیت‌الله بروجردی استقبال کرد. این شخص که از بزرگ‌ترین دانشمندان اهل سنت شمرده می‌شد و ریاست بزرگ‌ترین دانشگاه مذهبی مصر را بر عهده داشت، به شدت مخالف گروه‌های تکفیری بود و در مقابل آنها می‌ایستاد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، «دارالتقریب» با جدیت بیشتر به کار خود ادامه داد و برنامه‌های مختلفی را به اجرا درآورد. یکی از این برنامه‌ها، برگزاری «هفته وحدت» و دیگری «کنفرانس سالانه وحدت اسلامی» است که دانشمندان جهان اسلام گرد هم جمع می‌شوند و درباره مسائل دنیای اسلام گفت‌وگو می‌کنند.